

تحریر منجی

مقدمه:

یکی از بزرگترین انحراف‌هایی که ممکن است انسان به آن مبتلا شود؛ این است که همواره خود را بر حق دانسته و هیچ‌گاه متوجه باورها و رفتار اشتباه خود نشود. شیطان، بدترین انحراف‌ها را در ادیان به وجود می‌آورد و بدترین افراد از نگاه خداوند، کسانی هستند که در ادیان، تحریف به وجود می‌آورند؛ زیرا باعث می‌شوند نسل‌های بعد، آن تحریف را بخشی از دین بدانند و صادقانه آن را باور داشته و به آن عمل کنند. تغییر در ادیان به سختی به وجود می‌آید؛ زیرا فرد دین‌دار، دین خود را صد درصد، درست می‌داند و بر این باور است که دیگران اشتباه می‌کنند و همین تعصب، نقطه شروع نفهمیدن و بسته شدن راه هدایت است. به همین دلیل، اسلام همواره انسان را به عقلانیت و درست اندیشیدن دعوت می‌کند و از تقلید کورکورانه باز می‌دارد.

تحریر در تورات و انجیل:

مطالعه آیات تورات، نشان‌دهنده‌ی این است که آل ابراهیم در نزد خدا، گروهی ویژه و خاص بوده‌اند؛ خداوند به آنها برکت داده و به واسطه فرزندان ابراهیم، تمام دنیا برکت یافت و نسل آن حضرت زیاد خواهد شد. در انجیل نیز به مهم و ویژه بودن آل ابراهیم تأکید شده است؛ اما بخشی از واقعیت آن، تحریف شده و به دروغ بیان شده است که اسماعیل، ذبیح نیست بلکه اسحاق، ذبیح است. این دروغ، زمینه‌ساز انحرافات بسیاری در دنیا شد؛ زیرا در تورات آمده است که آن فرد وعده داده شده که در انتهای تاریخ ظهور می‌کند و همه چیز را تغییر می‌دهد، از نسل ذبیح است. یهودیان این موضوع را تحریف کردند. زمانی که حضرت عیسی به پیامبری رسید، این تحریف را متذکر شد و فرمود که اسماعیل ذبیح است؛ همین امر موجب بروز اختلاف میان حواریون شد. گروهی با پیروی از پطرس (وصی حضرت عیسی) به ذبیح بودن اسماعیل معتقد ماندند اما پولس، خط یهود را دنبال کرد و بر این تحریف که اسحاق ذبیح است، تأکید

فرزندان حقیقی حضرت ابراهیم:

اینکه امروز، صهیونیسم‌ها به دنبال این هستند که اثبات کنند کل دنیا، متعلق به آنان است؛ از این مسئله نشأت می‌گیرد که آنان خود را فرزندان حضرت ابراهیم از نسل حضرت اسحاق می‌دانند.

اسحاق، پدر حضرت یعقوب است و نام دیگر یعقوب، اسرائیل است.

نسل حقیقی، حضرت اسماعیل و فرزندان او و ۱۲ فرزند [وعدده داده شده] که از نسل او هستند، نقطه مقابل آنان می‌شود. در سفر پیدایش، باب ۱۷، آیه ۲۰ چنین آمده است: و ابراهیم به خداوند گفت: «ای کاش، اسماعیل برای وجه تو باقی بماند...» خداوند گفت: «و در مورد اسماعیل تو را اجابت کردم. اینک او را برکت خواهم داد و بزرگش خواهم گردانید. به واسطه‌ی مَئِدَمَئِد، ۱۲ امام به وجود خواهد آمد و به قوم بزرگی مبدلش خواهم ساخت.» این آیه به این مسئله اشاره دارد که ادامه نبوت در نسل حضرت اسماعیل است و نه اسحاق همچنین به وجود حضرت محمد (واژه مَئِدَمَئِد در زبان عبری یعنی محمد) و ۱۲ امام اشاره دارد. هرچند یهود، منکر این دلالت‌هاست.

روش‌های صهیونیسم در مواجهه با حقایق از جمله منجی:



✓ کتمان حقایق:

اولین روشی که یهودیان در مواجهه با حقایق به کار می‌گیرند؛ کتمان آن است. روش آنها این است که به برخی مسائل نمی‌پردازند تا باعث بزرگ‌نمایی آن نشود.

✓ تقدس‌زدایی:

پس از کتمان، سعی می‌کنند که تقدس آن مسئله را بشکنند و آن را تمسخر کنند.

✓ تحریف کردن:

صهیونیست‌های مسیحی یا اوانجلیست‌ها از سال ۲۰۰۰ به بعد به صورت ویژه کتاب‌هایی در مورد Twelve Emam (امام دوازدهم) نوشتند؛ چراکه امروز، جهان غرب، معتقد به امام زمان، زنده

بودن و ظهور نزدیک اوست؛ اما زنده ماندن و معجزات حضرت، هنگام ظهور را اعجازی شیطانی می‌دانند. در واقع، صهیونیست‌ها به دنبال ایجاد مهدویت اسلامی مدّ نظر خود در خاورمیانه هستند. مثلاً ایجاد داعش به عنوان طرفداران پرچم‌های سپاه خراسان در احادیث ما ذکر شده است؛ زیرا القاعده از افغانستان (خراسان قدیم) شروع شد. آنها داعش را سپاه امام زمان و امام را آنتی‌کرایست معرفی می‌کنند. حتی شیوه کشتار داعشی‌ها از تفکر اوانجلیست‌ها گرفته شده است؛ زیرا سر بریدن، شیوه آنتی‌کرایست (ضد مسیح) است.

لزوم شناخت منجی:

بعد از مفهوم خدا، منجی، دومین بحث مشترک میان تمام ادیان است؛ تا جایی که حتی ادیانی که اعتقاد به معاد ندارند؛ به منجی معتقدند. شناخت منجی و امام زمان به اندازه‌ای مهم است که در احادیث گفته شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد؛ به مرگ جاهلیت مُرده است.» (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶)

امروز، نه تنها شناخت امام زمان وظیفه‌ی ماست؛ بلکه باید با تحریفات دشمنان هم، مبارزه کنیم. جالب است [در اثر این تحریفات] گروهی که به امامت رسیدن امام زمان در سن پنج یا هفت سالگی را قبول ندارند، نبوت حضرت عیسی در نوزادی و گهواره را قبول دارند. همچنین، اعتقاد به زنده بودن حضرت مسیح دارند و عمر طولانی آن حضرت را می‌پذیرند؛ اما در مورد امام زمان، ایجاد شبهه می‌کنند.

علت مهاجرت یهودیان:

یکی از دلایل مهاجرت یهودیان به مدینه و حجاز، انتظار ظهور منجی بود؛ زیرا در کتاب‌هایشان این مطلب را خوانده بودند که ظهور منجی در این منطقه (جایی که اسماعیل به آنجا رفت) رخ خواهد داد. در کتاب اشعیای نبی اینگونه آمده است: «او در فاران ظهور می‌کند؛ اما حکومتش را به سمت تیما تشکیل خواهد داد.» (اشعیای نبی، باب ۲۱، آیات ۱۲ و ۱۳)

به همین خاطر، مردم مدینه در حالی که پیامبر را ندیده بودند؛ از او دعوت و با او بیعت کردند؛ چون نشانه‌های ظهور را از یهودیان شنیده بودند. یهودیان بر این باور بودند که آخرین پیامبر باید یهودی باشد و چون شنیده بودند که پیامبر آخرالزمان از سرزمین عرب می‌آید؛ به آن منطقه رفتند تا پیامبر از نسل آنها به دنیا بیاید؛ اما وقتی پیغمبر از شاخه‌ی بنی‌اسماعیل به دنیا

آمد؛ تلاش خود را برای حذف ایشان آغاز کردند؛ تا جایی که نقش یهود در شهادت پیامبر و حضرت علی و امام حسین قطعی است.

سخن پایانی:

دلیل دشمنی اسرائیل با ما، موضوعات اقتصادی و مناطق استراتژیک جهان و حتی مذهب ما نیست؛ بلکه دلیل آن، ایدئولوژی ماست و اینکه دومین کاندیدای ظهور از مکتب ماست. باید این موضوع و جریانات رسانه‌ای را بشناسیم؛ بدانیم که موضوع، بر سر تحریف Twelve Emam و نگاه شیعه‌ی دوازده امامی است. حواسمان باشد که بسیاری از نشانه‌های ظهور محقق شده است و تنها، تحقق تعداد معدودی از آنها مانده است. مبادا در حالی که دشمن، هوشیار و فعال است؛ ما خواب بمانیم.

**قرار نیست من و شما گزارشگر ظهور باشیم؛ بلکه ما باید در یکی از این دو تیم
(همراه امام زمان یا مقابل او) نقش آفرین باشیم.**

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: تحریف منجی

خلاصه و چکیده مطالب سخنرانی استاد رائفی‌پور، آذر ۹۵، تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)